

بررسی و رابطه هوش معنوی و هوش عاطفی و ارتباط آن با اعتماد سازمانی کارکنان شهرداری**شاهرود**سوده غنی پور^۱، محمدرضا کریمی^۲، محمدحسن حیدریان^۳

کارشناسی ارشد مدیریت نیروی انسانی / شهرداری شاهرود

چکیده

گرچه در مورد مفهوم اعتماد سازمانی و رابطه آن با سایر متغیرها، پژوهشهای متعددی انجام گرفته است. لکن هوش معنوی به عنوان عاملی اثرگذار بر رفتار فردی، اجتماعی و به تبع آن رفتار سازمانی، طی سالهای اخیر در ادبیات سازمان و مدیریت مطرح شده است. از طرفی هوش عاطفی واژه ای است عمومی که عملکرد مؤثر را تداعی می کند. هوش عاطفی را میتوان توانایی درکها و هیجانات و احساسات خود در جهت کمک به فعالیتهای فکری، تصمیمگیری و ارتباطی دانست. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و عاطفی و اعتماد سازمانی انجام گرفته است. بر این اساس ضمن مرور ادبیات نظری، متغیرهای مربوط و مقیاس سنجش آنها، چارچوب کلی مطالعه شکل گرفت. جامعه آماری این تحقیق تمامی کارکنان شهرداری شاهرود بود که تعداد ۱۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه استاندارد هوش معنوی (هیلدبرانت، ۲۰۱۱)، پرسشنامه استاندارد هوش عاطفی (کرون، ۲۰۰۷) و پرسشنامه استاندارد اعتماد سازمانی (بوئه، ۲۰۰۲) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش، از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. بررسی نتایج فرضیات تحقیق نشان داد بین هوش عاطفی و اعتماد سازمانی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت در حالیکه هوش معنوی رابطه معنی داری با اعتماد سازمانی نداشت. همچنین به منظور تعیین مولفه های مؤثر بر اعتماد سازمانی از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. بررسی مدل رگرسیونی نشان داد مولفه همدلی به عنوان متغیر تاثیرگذار بر اعتماد سازمانی بود.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، هوش عاطفی، اعتماد، شهرداری